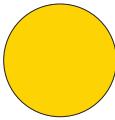


یادداشت

O P I N I O N



شاهین شایان آرائی

کارشناس اقتصادی

## الزامات بودجه ۱۴۰۵

در بسیاری از اقتصادها، بودجه‌ریزی زمانی معنا می‌یابد که پیوند آن با متغیرهای اصلی اقتصاد کلان و شیوه تصمیم‌سازی دولت روشن شود؛ زیرا بودجه در گوهر خود ابزاری برای تنظیم رابطه میان منابع و مصارف عمومی است و کارآمدی آن نیز به ثبات، انضباط و ظرفیت مدیریت اقتصادی وابسته است. در ایران اما این پیوند سال‌هاست که زیر فشار تورم مزمن، ناترازی‌های فرسوده شده و همین فرسایش، بودجه‌ریزی را به فرآیندی ناپایدار تبدیل کرده است. در فضایی که تورم برای بیش از دوده در محدوده ۲۵ تا ۵۰ درصد در نوسان بوده و هیچ برنامه مؤثری برای مهار آن در دستور قرار نگرفته، بودجه عملاً بر بستری متلاطم بسته می‌شود. هرگونه لحاظ کردن تورم در بودجه خود به تشدید تورم دامن می‌زند و نادیده گرفتن آن، بودجه را غیرواقعی می‌سازد؛ دوراهی‌ای که دولت را میان ضرورت‌های متناقض گرفتار کرده است.

در چنین شرایطی، اصلاح ساختار بودجه بدون اصلاح بستر اقتصادی به نتیجه نمی‌رسد. دولت ناگزیر است همزمان با انضباط‌بخشی به نظام بانکی، برای مهار رشد نقدینگی و کنترل تورم اقدام کند و در کنار آن، هزینه‌های اضافی را کاهش دهد و اندازه دولت را کوچک‌تر و کارآمدتر سازد. بار سنگین هزینه‌های جاری در بودجه سال آینده نیز نشانه‌ای از تداوم این چرخه است؛ زیرا حتی در صورت مهار تورم، ساختار پرهزینه دولت همچنان مانع اصلی کارآمدی بودجه باقی می‌ماند. دو عامل تورم و هزینه‌های بالای حکمرانی، دیوار اصلی مقابل هر تلاشی برای تدوین بودجه‌ای اثربخش محسوب می‌شوند و تا زمانی که این دو مانع پابرجاست، انتظار بهبود محسوس بی‌پایه است. بودجه ۱۴۰۵ نیز در همین چارچوب با دشواری جدی روبه‌روست و توان محدودی برای کاهش کسری بودجه یا کاستن از سایه رکود دارد. مشکل

در دل ساختار اقتصادی نهفته است؛ ساختاری دولت‌محور، پرهزینه و گرفتار ناترازی‌های عمیق. مهار کسری بودجه تنها با انضباط مالی و در بازه‌ای دو تا سه ساله ممکن است؛ نه با تصمیمات کوتاه‌مدت یا افزایش مقطعی درآمدها. حتی افزایش درآمدهای مالیاتی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ زیرا ریشه بحران، کم‌درآمدی نیست، بلکه هزینه‌تراشی و ائتلاف منابع است. اقتصاد بیمار امروز ایران شبیه بیماری است که دچار خون‌ریزی داخلی شده و تزریق درآمد تازه تا زمانی که این خون‌ریزی متوقف نشود، هیچ اثری ندارد. در این میان، اصلاح سیاست‌های ارزی نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از مسیر اصلاح اقتصادی است. سیاست ارزی در همه کشورها برای ایجاد ثبات و پایداری در نظام پولی و مالی طراحی می‌شود و به‌طور مستمر مورد بازنگری قرار می‌گیرد. در ایران، مسئولیت این سیاست‌ها بر عهده بانک مرکزی است؛ نهادی که باید در بزنگاه‌های بحران با ابزارهای در اختیار خود ثبات را به بازار ارز بازگرداند. این رابطه دوسویه میان سیاست ارزی و نظام پولی نشان می‌دهد که بدون ثبات در پایه‌های اقتصاد کلان، هیچ ساختار بودجه‌ای—حتی اگر به بهترین شکل طراحی شود—توان پایدار ی نخواهد داشت.

# صنعت در حصار تنگنای مالی

رکود تورمی، کمبود نقدینگی و سیاست‌های بانکی سخت‌گیرانه چنان بر تولید فشار آورده که بسیاری از واحدها در آستانه توقف قرار گرفته‌اند و اقتصاد صنعتی کشور را با چالشی ساختاری روبه‌رو کرده است



رامین بیات

روزنامه نگار

شوند، اکنون با ماشین‌آلات سالخورده و تجهیزات نا کارآمد کار می‌کنند. این وضعیت نه تنها هزینه تعمیرات را افزایش داده، بلکه بهره‌وری را کاهش داده و کیفیت محصولات را تحت فشار گذاشته است. فرسودگی سرمایه یک نتیجه مهم دارد: کاهش قدرت رقابت، صنایع داخلی در برابر رقبای خارجی با فناوری‌های نوین و حتی برخی رقبا در داخل کشور که توانسته‌اند با منابع محدودتر خطوط خود را نوسازی کنند، آسیب‌پذیرتر شده‌اند. تولیدات قدیمی‌تر، هزینه تمام‌شده بیشتری دارند، انرژی بیشتری مصرف می‌کنند و نوسان‌پذیری بیشتری در تولید دارند. اما چرا نوسازی انجام نمی‌شود؟ پاسخ روشن است: نبود سرمایه. بسیاری از واحدها حتی اگر توان فنی برای بازسازی داشته باشند، سرمایه لازم را ندارند. محدودیت تسهیلات بانکی نیز این امکان را دشوارتر کرده است. بنابراین صنایع به چرخه‌ای فرسایشی وارد شده‌اند که در آن هم به دلیل فرسودگی، هزینه‌ها بالا می‌رود و هم به دلیل هزینه‌های بالا، امکان نوسازی از بین می‌رود. پیامدهای این فرسودگی تنها اقتصادی نیست؛ مدیریتی نیز هست. با تجهیزات قدیمی، برنامه‌ریزی دقیق دشوار می‌شود، توقف‌های ناگهانی افزایش می‌یابد و هزینه‌های جاری به گونه‌ای بالا می‌رود که در نهایت وضعیت نقدینگی واحدها را تشدید می‌کند.

### هزینه‌های سربار فزاینده

در کنار تمام این چالش‌ها، تولیدکنندگان با فشار روزافزون هزینه‌های سربار نیز مواجه‌اند. انرژی، حمل‌ونقل، مواد اولیه، قطعات وارداتی و حتی هزینه‌های اداری، همگی جهش پیدا کرده‌اند. نوسانات نرخ ارز نیز باعث شده پیش‌بینی هزینه‌ها تقریباً ناممکن شود. تولیدکنندگان می‌گویند که کوچک‌ترین تغییر در نرخ ارز یا قیمت انرژی، اثر فوری بر قیمت تمام‌شده و حاشیه سود می‌گذارد؛ گویی که صنعت دائماً در حال دویدن روی زمینی ناپایدار است. این وضعیت باعث شده بسیاری از تولیدکنندگان به‌جای توسعه خطوط تولید یا توجه به تحقیق و توسعه، منابع محدود خود را صرف هزینه‌های جاری کنند. همین موضوع ظرفیت نوآوری و آینده‌سازی صنعت را محدود کرده و واحدها را به سمت تصمیم‌های کوتاه‌مدت سوق داده است. نتیجه آن واضح است: رقابت‌پذیری کاهش می‌یابد و امکان توسعه صادرات محدود می‌شود.

افزایش هزینه‌های سربار پیامد دیگری هم دارد: بی‌ثباتی قیمت محصول نهایی، تولیدکنندگان برای ادامه فعالیت ناچارند قیمت‌ها را مکرر تعدیل کنند؛ موضوعی که بازار را آشفته‌تر می‌کند و اعتماد مشتری را کاهش می‌دهد. در برخی صنایع، هزینه‌ها به حدی بالا رفته که ادامه تولید در برخی خطوط صرفه اقتصادی ندارد و واحدها ترجیح داده‌اند برخی بخش‌های تولید را متوقف کنند.

### آینده در گرو اصلاح

تصویر امروز صنعت ایران، تصویری است از فشاری چندوجهی: رکود تورمی، کمبود نقدینگی، سیاست‌های بانکی نا کارآمد، محدودیت‌های ارزی، فرسودگی سرمایه، ناترازی انرژی و هزینه‌های سربار فزاینده. این مجموعه، واحدهای تولیدی را در معرض خطرهای جدی قرار داده است. اما در عین حال، اگر اصلاحات ضروری در سیاست‌های بانکی، قوانین و سازوکارهای اقتصادی انجام شود و دولت نقش حمایتی خود را با دقت و سرعت بیشتری ایفا کند، مسیر عبور از بحران می‌تواند روشن‌تر شود.

از عوامل بیرونی و درونی را برمی‌شمرد که دامنه بحران را گسترده‌تر کرده است: محدودیت‌های ارزی، نبود امکان باز کردن ال سی و یو ان اس، تحریم‌های بانکی که فعالیت در بازار جهانی را دشوار ساخته و سامانه‌های غیرشفاف که فرایندهای معمول را نیز پرهزینه و زمان‌بر کرده است. او تأکید می‌کند که بسیاری از تولیدکنندگان حتی در مواجهه با مشکلات ساده اجرایی، پاسخ قابل اتکا دریافت نمی‌کنند، زیرا زیرساخت‌های اداری برای فعالیت تولیدی پایدار طراحی نشده است. پیرمؤذن در کنار این مسائل، به موضوع ناترازی انرژی اشاره می‌کند؛ موضوعی که سال‌هاست صنعت با آن دست‌به‌گریبان است. کمبود انرژی، قطع‌های مکرر و ضعف زیرساخت‌ها، توان برنامه‌ریزی بلندمدت را از صنایع گرفته و حتی در برخی فصول سال، تولید به‌اجبار محدود می‌شود. مجموعه این عوامل باعث شده که سرمایه‌گذاری جدید نه تنها جذاب نباشد، بلکه در بسیاری از بخش‌ها ریسک بالاتری نسبت به یازده داشته باشد. او معتقد است پنج اقدام می‌تواند مسیر خروج از بحران را هموار کند: اصلاح سیاست‌های بانکی، تدوین بسته‌های حمایتی برای تأمین سرمایه در گردش، توسعه دیپلماسی اقتصادی برای گسترش بازارهای صادراتی، بهینه‌سازی مدیریت سرمایه در گردش درون واحدها و نهایتاً اصلاح قوانین و افزایش شفافیت سامانه‌های دولتی. هشدار او نیز جدی است: اگر این اقدامات انجام نشود، تعطیلی واحدها، کاهش تولید و آسیب به اشتغال دور از انتظار نخواهد بود.

### سرمایه فرسوده، صنعت فرسوده

پای صحبت که به میان تولیدکنندگان می‌رسد، مسئله‌ای دیگر نیز پررنگ می‌شود: فرسودگی سرمایه. صنایع ایران سال‌هاست به دلیل محدودیت سرمایه‌گذاری نتوانسته‌اند تجهیزات خود را نوسازی کنند. بسیاری از خطوط تولید که طبق استانداردهای جهانی باید هر چند سال به‌روزرسانی

### تصویر واقعی صنعت

در چنین شرایطی، حسین پیرمؤذن نایب‌رئیس اتاق ایران به‌صراحت از مختصات نگران‌کننده اقتصاد و صنعت سخن می‌گوید. او تأکید می‌کند که سیاست‌های بانکی کنونی نه تنها حامی تولید نیست، بلکه یکی از اصلی‌ترین موانع تأمین مالی شده است. او صریح می‌گوید: «برای خروج از وضعیت فعلی، اصلاح فوری سیاست‌های بانکی ضرورت دارد. دولت باید بسته‌های حمایتی مؤثر طراحی کند، دیپلماسی اقتصادی را فعال‌تر دنبال کند و سامانه‌های خدمت‌رسان را شفاف و کارآمد سازد.» به گفته او، امروز تولیدکنندگان با دو چالش بزرگ و هم‌زمان روبه‌رو هستند؛ چالش‌هایی که نه فقط سودآوری، بلکه بقای واحدها را نشانه گرفته است. نخستین چالش، رکود تورمی است؛ وضعیتی که از کاهش تقاضای داخلی و افت قدرت خرید خانوارها ناشی می‌شود. این شرایط بازار فروش صنایع را کوچک کرده، ظرفیت تولید را پایین آورده و جریان نقدی شرکت‌ها را تضعیف کرده است. چنین فضایی برای صنایع، به‌ویژه صنایع با هزینه ثابت بالا، بسیار خطرناک است، زیرا با کاهش فروش، هزینه‌ها جبران نمی‌شود و یازدهی به سرعت افت می‌کند. چالش دوم اما سنگین‌تر است: کمبود نقدینگی. پیرمؤذن توضیح می‌دهد که بخشنامه جدید بانک مرکزی، پرداخت تسهیلات را به منابع و مصارف واحدها محدود کرده و همین موضوع دسترسی به سرمایه در گردش را به شکل بی‌سابقه‌ای سخت کرده است. نتیجه آن روشن است: بسیاری از واحدها در تأمین مواد اولیه، پرداخت حقوق کارکنان و پوشش هزینه‌های جاری ناتوان شده‌اند. گزارش‌های غیررسمی نیز نشان می‌دهد که شماری از صنایع در مرز توقف قرار گرفته‌اند.

### گره‌های بانکی و ارزی

به اعتقاد نایب‌رئیس اتاق ایران، مشکلات صنعت تنها به سیاست‌های بانکی محدود نمی‌شود. او مجموعه‌ای

صنعت ایران در برهه‌ای ایستاده که هر تصمیم اقتصادی می‌تواند مسیر آن را برای سال‌ها تغییر دهد؛ برهه‌ای که در آن رکود تورمی، کمبود نقدینگی، سیاست‌های بانکی سخت‌گیرانه و فرسودگی سرمایه، همچون زنجیره‌ای فشرده بر گلو ی تولید نه‌شسته و فعالان صنعتی را در میانه دشوارترین دوره کاری خود قرار داده است. این گزارش، روایتی دقیق از مختصات امروز صنعت ایران و چالش‌هایی است که تولیدکنندگان می‌کوشند با کمترین ابزار و

بیشترین فشار از میان آن عبور کنند.

### فشار چندلایه بر تولید

صنعت کشور در سال‌های اخیر به‌تدریج با لایه‌های پیچیده‌ای از بی‌ثباتی اقتصادی روبه‌رو شده است. واحدهای تولیدی که زمانی با تکیه بر بازار داخلی و ظرفیت‌های موجود توان حرکت داشتند، امروز با مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان مواجه‌اند: از رکود تورمی تا نوسانات ارزی، از محدودیت‌های مالی تا ضعف زیرساخت‌ها. در چنین فضای متلاطمی، نقدینگی به مهم‌ترین عنصر بقا تبدیل شده، اما دسترسی به آن از هر زمان دیگری دشوارتر است. سیاست‌های جدید بانکی، محدودیت‌های ارزی و کندی سامانه‌های مالی، چنان سازوکاری ایجاد کرده‌اند که حتی واحدهای قدیمی و باسابقه نیز برای حفظ ظرفیت فعلی خود به تلاش مضاعف نیاز دارند.

صدای مشترک تولیدکنندگان در ماه‌های اخیر—که در اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های صنعتی بارها شنیده شده—نشان می‌دهد که بحران‌های امروز بیش از هر زمان دیگری ساختاری شده‌اند. فعالان اقتصادی معتقدند بدون بازنگری جدی در سیاست‌های پولی و مالی، اصلاح قوانین، شفاف‌سازی سامانه‌های تجاری و بازگشت دولت به نقش حمایتی واقعی، مسیر صنعت روزه‌به‌روز سخت‌تر می‌شود.

## فرش دستباف در انتظار گشایش اقتصادی

**رکود طولانی مدت صادرات فرش دستباف در سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد سیاست‌های حمایتی تازه هنوز به ثمر نشست و تکانه‌های سیاسی و محدودیت‌های مالی مسیر این هنر-صنعت دیرینه را دشوار کرده است**

صادرات فرش دستباف ایران که روزگاری پرچمدار هویت اقتصادی و هنری کشور در بازارهای جهانی بود، در آستانه سال ۱۴۰۴ همچنان در سایه رکود سنگینی حرکت می‌کند؛ رکودی که حتی سیاست‌های حمایتی تازه، تکانه‌های سیاسی و محدودیت‌های محیطی نیز نتوانستند آن را از مسیر کاهش خارج کنند.

### رکود در آستانه امید

فعالان صنعت فرش دستباف سال ۱۴۰۴ را سالی برای بازگشت این هنر-صنعت به دوران رونق می‌دانستند، اما واقعیت‌های میدانی و داده‌های رسمی حکایت دیگری دارد. شاخص‌های صادراتی نشان می‌دهد این صنعت همچنان در همان سطح سال گذشته ایستاده و هیچ تغییر معناداری در نیمه نخست سال مشاهده نشده است. در اسفندماه سال گذشته سیاست جدیدی برای بازنگری در تعهدات

ارزی صادرکنندگان اعلام شد که براساس آن، بازگشت ارز تنها به اندازه ارزش مواد اولیه مصرفی تعیین شد. این اقدام با هدف کاهش محدودیت‌های اداری و حمایت از صادرکنندگان کوچک و متوسط طراحی شد. امید می‌رفت چنین تغییری بتواند بخشی از فشارهای دیرینه را کاهش دهد و به سرعت صادرات را افزایش دهد، اما تحولات ناگهانی در منطقه این روند را مختل کرد.

### اثرات جنگ ۱۲ روزه

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه که در ابتدای سال رخ داد، فضای فرهنگی و تجاری مرتبط با فرش دستباف را تحت تأثیر قرار داد. بازارهای هدف که به ثبات روانی و امنیت مبادلات مالی نیاز دارند، دچار سردرگمی شدند و زنجیره ارتباطات تجاری؛ به‌ویژه در کشورهای واردکننده به هم خورد. در نتیجه، نیمه نخست سال با ثباتی نسبی و بدون رشد معنادار سپری شد. مرتضی حاجی‌آقامیری،

رئیس کمیسیون فرش، هنر و صنایع دستی اتاق ایران، می‌گوید مجموع صادرات در سال ۱۴۰۴ احتمالاً حدود ۴۰ میلیون دلار خواهد بود؛ عددی که نشان می‌دهد سیاست‌های جدید هنوز نتوانسته‌اند چرخ صادرات را به حرکت درآورد. پشوتاب پیرسانند.

### چالش اجرای سیاست‌های ارزی

با وجود تصویب مقررات تازه برای بازگشت ارز صادراتی، بخشی از مشکلات اجرایی همچنان پابرجاست. صادرکنندگان اعلام می‌کنند برخی از موانع که در گذشته مسیر فعالیت آن‌ها را دشوار می‌کرد، اکنون نیز به دلیل نارسایی‌های اجرایی تکرار شده است. این مشکل محدود به فرش دستباف نیست. بررسی صادرات غیرنفتی نشان می‌دهد کندی بازگشت ارز در سایر حوزه‌های صنایع دستی و فرهنگی نیز دیده می‌شود و این روند نگرانی فعالان را افزایش داده است.